

رویکردی تلفیقی-ابتکاری به تحلیل گفتمان محمدرضا شاه و امام خمینی در خطاب به مردم

ابوالفضل شاه‌علی*

چکیده

پژوهش حاضر درصدد است با رویکردی تلفیقی به بازنمایی مفاهیم قدرت، مشروعیت، و نابرابری‌های اجتماعی مطرح‌شده توسط ماکس وبر (۱۹۶۸)، در گفتمان محمدرضا شاه و امام خمینی در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی-متیسن (۲۰۱۴) پردازد. در این راستا ۷ نطق و پیام از هر یک از این دو شخصیت در خطاب به مردم به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده است. یافته‌ها حاکی از این است که سه فرایند اصلی مادی، ذهنی، و رابطه‌ای نقش بسزایی در بازنمایی مفاهیم قدرت، مشروعیت، و نابرابری‌های اجتماعی داشته‌اند. توزیع پربسامد ضمیر «من»، «ما»، و «شما»، گفتمان را عرصه تعامل این دو شخصیت و مردم کرده است. آغازگر مبتدایی بی‌نشان نیز مسئولیت

* (نویسنده مسئول) استادیار مدعو دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شاهرود
(shahaliabolfazl@gmail.com)

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۶، صص ۱۶۵-۱۳۱

اصلی پیام نهفته در گفتمان را به عهده دارد. در تحلیل انسجام متن نیز، عناصر انسجام دستوری بیشتر از عناصر واژگانی در روان بودن کلام آن دو نقش داشته‌اند. در پایان مشخص شد که گفتمان هر دو شخصیت به دنبال کسب اقتدار بوده، مشروعیت محمدرضا شاه، موروثی، لیکن در تلاش برای کسب مشروعیت کارزماتیک است؛ این در حالی است که مشروعیت رهبری امام، کارزماتیک و مبتنی بر مشروعیت الهی است. هر دو گفتمان نیز عرصه توجه به حقوق اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی مخاطب است، لیکن گفتمان محمدرضا شاه در موضوع کشف حجاب، برخلاف این ادعاست. واژگان کلیدی: دستور نقش‌گرای نظام‌مند، محمدرضا شاه، امام خمینی، قدرت، مشروعیت، نابرابری‌های اجتماعی

مقدمه

زندگی اجتماعی بشر مبتنی بر ارتباط است، زیرا نهادهای اجتماعی، مجرای جریان زندگی در جامعه به‌شمار می‌آیند. همه فعالیت‌های بشر را می‌توان در شمار وسایل ارتباطی به‌شمار آورد؛ از هنر گرفته تا علائم راهنمایی و رانندگی، همگی ابزاری در خدمت بشر برای تعامل با هم‌نوعش هستند، اما مهم‌ترین وسیله ارتباطی بشر و زیربنای همه نهادهای اجتماعی او، زبان است؛ به‌گونه‌ای که جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان، هر دو، بر این نظرند که اگر انسان‌ها مهارت و استعداد فراگیری زبان را برای برقراری ارتباط با دیگران نداشتند، نمی‌توانستند به حیات خود ادامه دهند. انسان‌ها، همواره در تلاش هستند با استفاده از زبان به اهداف ارتباطی خود دست یابند (آلرتون^۱، ۱۹۷۹، به نقل از ارتون^۲، ۲۰۰۰: ۲۰۲)؛ بنابراین، زبان، چنان‌که گفته شد، به‌عنوان یک پدیده حیاتی مورد توجه پژوهشگران و اندیشمندان است و امروزه، علم زبان‌شناسی این امکان را فراهم کرده است که از زوایای مختلف به پدیده زبان بنگریم.

هنگامی که افراد، اقدام به گفتن یا نوشتن می‌کنند، در واقع، دست به تولید متن می‌زنند. متن به نمونه زبانی‌ای گفته می‌شود که صرف‌نظر از نوع و سبک، گفتاری یا نوشتاری، برای مخاطب آشنا به آن زبان، قابل درک باشد (هلیدی و حسن^۳، به نقل از: هلیدی و متیسن^۴، ۲۰۱۴: ۳). با وجود این، آنچه اخیراً باعث ایجاد شکاف در

1. D. J. Allerton
2. I. Erton
3. M.A.K Halliday and R, Hasan
4. Matthiessen

بین پژوهش‌های زبان‌شناسی شده است، اعتقاد به بررسی زبان در درون بافت یا خارج از بافت است. به عبارت دیگر، موضوع بررسی زبان در بافت از مهم‌ترین موضوعاتی بود که پس از زبان‌شناسی صورت‌گرا - که اعتقاد به مطالعه زبان در خارج از بافت داشت - در قالب نحله‌ای به نام «نقش‌گرایی» مطرح و بررسی شد. فیلمور^۱ (۱۹۷۷: ۱۱۹) در این مورد می‌گوید: «هر زمانی که به جمله‌ای در بافتی خاص می‌نگرم، از خود می‌پرسم که اگر این جمله در بافت دیگری قرار داشت، چه تعبیری به دست می‌داد». به این ترتیب، مشخص است که بافت، تأثیر بسزایی بر معنای جمله‌ها دارد و به عبارت دیگر، عناصری غیر از عناصر موجود در جمله، در انتقال معنا به مخاطب نقش دارند (سانگ^۲، ۲۰۱۰: ۸۷۶)؛ در نتیجه می‌توان این گونه گفت که تحلیل گفتمان در واقع تحلیل زبان در بافت است.

بافت، خود از منظر زبان‌شناسان به سه دسته تقسیم می‌شود: «بافت زبان‌شناختی^۳»، «بافت موقعیتی^۴» و «بافت فرهنگی^۵». بافت زبان‌شناختی به ارتباط بین کلمات، عبارت‌ها، جملات و حتی پاراگراف‌ها اشاره دارد. بافت موقعیتی به زمان و مکان وقوع گفتمان و روابط بین مشارکت‌کنندگان در گفتمان مربوط می‌شود. بافت فرهنگی نیز به فرهنگ، آداب و رسوم و پیشینه جامعه‌ای اشاره دارد که گفتمان در آن رخ می‌دهد (سانگ، ۲۰۱۰: ۸۷۷).

مخاطبان گفتمان نیز در محتوای گفتمان نقش بسزایی دارند. پترسون^۶ (۲۰۱۲) بر این نظر است که «تعداد مخاطبان، تأثیر بسزایی بر نوع گفتمان سخنان دارد: هرچه تعداد مخاطبان کمتر باشد، گفتمان به زبان غیررسمی نزدیک‌تر خواهد بود، لیکن، تعداد زیاد مخاطبان، تولیدکننده گفتمان را به رعایت ساختاربندی‌ها و به عبارتی، تولید زبانی رسمی، وامی‌دارد» (وارد^۷ و دیگران، ۲۰۱۶: ۲). آنچه در اینجا

1. Ch. Fillmore
2. L. Song
3. Linguistic Context
4. Situational Context
5. Cultural Context
6. Peterson
7. A. E. Ward

به ذهن می‌رسد، این است که مخاطبان گفتمان را می‌توان به دو دسته کلی عوام و خواص تقسیم کرد. دسته نخست، شامل تمام افراد تشکیل‌دهنده یک جامعه می‌شود، لیکن گروه دوم، بسته به بافت موقعیتی و فرهنگی تولید گفتمان، طیف خاصی از افراد مانند سیاسیون، دانشجویان، دست‌اندرکاران امور آموزشی، ادبا و... را دربر می‌گیرد. در این میان، بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه تحلیل گفتمان، حاکی از این است که تحلیل گفتمان خطاب به مردم، کمتر مورد توجه پژوهشگران بوده است. گفتمان خطاب، ابزاری تعاملی در اختیار گوینده است تا به شکل منسجم، قاعده‌مند، و سنجیده، مخاطب خود را از مسائل خاصی آگاه کرده، بر آن‌ها تأثیر گذاشته، یا حتی سرگرم کند. نکته مهم در گفتمان خطاب این است که چه چیزی، توسط چه کسی، برای چه کسی، به چه شکلی و با چه هدفی تولید می‌شود (هدی و سرگیه^۱، ۲۰۱۶: ۱۹۰-۱۸۸).

در سال‌های اخیر، انجام تحلیل گفتمان در موضوعات گوناگون و در چارچوب رویکردهای مختلف، از جمله نقش‌گرایی، انتقادی، و... توجه بسیاری از زبان‌شناسان را به خود جلب کرده است. در این میان، تحلیل گفتمان رهبران سیاسی کشورها، کمتر مورد توجه پژوهشگران بوده است. حکام و رهبران سیاسی، همواره دغدغه مشروعیت را در سر داشته‌اند، زیرا «همه حاکمیت‌ها می‌بایست مشروعیت خود را بر پایه یک اصل فکری به‌دست آورند و حاکمیت خود را بر آن مبنای استوار سازند (فوکویاما^۲، ۱۳۹۳: ۶۳)؛ بنابراین، مقاله حاضر درصدد است که براساس دستور نقش‌گرایی نظام‌مند هیلیدی-متیسن (۲۰۱۴) به بازنمایی مشروعیت^۳، قدرت^۴ (اقتدار^۵)، و نابرابری‌های اجتماعی^۶ در گفتمان محمدرضا شاه و امام خمینی^۷ در

1. R. Huda and A. Saragih
2. Y. F. Fukuyama
3. Legitimization
4. Power
5. Authority
6. Social inequalities

۷. در ادامه به‌منظور پرهیز از هرگونه جانبداری در خطاب، از این سه عنوان برای سه شخصیت مطرح در پژوهش استفاده می‌شود.

خطاب به مردم بپردازد.

همان گونه که مطرح شد، بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه تحلیل گفتمان، در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند، به‌ویژه چارچوب پیشنهادی هلیدی-متیسن انجام شده‌اند. با وجود این، بررسی یافته‌های این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بررسی مبتنی بر ابعاد گوناگون این چارچوب، تنها آمار و ارقامی را در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد و درنهایت، تبیین خاصی از سوی این نظریه برای یافته‌های حاصل از تحلیل گفتمان وجود ندارد. به عبارت دیگر، این چارچوب نظری به‌تنهایی قادر به پاسخ‌گویی به چرایی این آمارها و ارقام به‌دست‌آمده نیست؛ بنابراین، پژوهشگران درصدد برآمدند تا با تلفیق این مدل با مفاهیم قدرت (اقتدار)، مشروعیت، و نابرابری‌های اجتماعی مطرح‌شده توسط وبر (۱۹۶۸)، تحلیل جامع‌تری از گفتمان‌های موردنظر ارائه دهند. برای نیل به این هدف، پرسش‌های زیر مطرح می‌شود:

- تحلیل زبان‌شناختی گفتمان محمدرضا شاه و امام خمینی در خطاب به مردم چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد؟
- بازشناسی انتقادی مفاهیم قدرت (اقتدار)، مشروعیت، و نابرابری‌های اجتماعی در گفتمان این دو شخصیت در خطاب به مردم چگونه است؟

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های گوناگونی با محوریت تحلیل گفتمان و براساس مکاتب مختلف مطرح در این حوزه از جمله مکاتب کاربردشناسی^۱، جامعه‌شناسی تعاملی^۲، تحلیل گفت‌وگو^۳، نقش‌گرایی، تحلیل گفتمان انتقادی، تحلیل پساساختارگرایانه، و... انجام شده است. وجه اشتراک همه این مکتب‌های فکری، تمرکز بر زبان به‌مثابه نظامی مبتنی بر بافت است (آلبازوز^۴، ۲۰۰۹: ۱۵). به این ترتیب، پژوهش پیش رو نیز در پی گفتمان‌کاوی انتقادی خطاب محمدرضا شاه و امام خمینی به مردم در چارچوب

1. Pragmatics
2. Interactional sociolinguistics
3. Conversation analysis
4. L. Alba-Juez

رویکرد نقش‌گرا است. در ادامه به بررسی برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه تحلیل گفتمان، به‌ویژه پژوهش‌های انجام‌شده با رویکرد نقش‌گرایی پرداخته و درنهایت، تفاوت پژوهش حاضر با سایر مطالعات انجام‌شده در حوزه نقش‌گرایی را تبیین خواهیم کرد.

یی^۱ (۲۰۱۰) به تحلیل سخنرانی باراک اوباما پس از پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری براساس فرانشی بینافردی پرداخته است. یافته‌های پژوهش‌یی نشان می‌دهد که اوباما برای ارائه اطلاعات و القای حقایق مثبت به مخاطبان خود، بیشتر از وجه خبر مثبت بهره برده است. همچنین، بسامد بالای افعال و جهی با درجه تعهد بالا نشان‌دهنده اراده بالای وی برای انجام وعده‌های خود است. درنهایت، تکرار زیاد ضمیرهای شخصی «ما» و «ما و شما» در گفتمان او، بیانگر تلاش وی برای ایجاد ارتباطی نزدیک با مخاطبان خود و به‌نوعی، ایجاد حس همزادپنداری با آنها است.

الوی و باسیر^۲ (۲۰۱۱) در پژوهشی به بررسی برخی از سخنرانی‌های اوباما در چارچوب نظریه نقش‌گرای هلیدی و در قالب ساخت‌گذرایی این نظریه پرداخته‌اند. نتایج حاکی از این است که وی با استفاده زیاد از فرایند مادی و ذهنی، مردم را به‌سوی خود جلب می‌کرد. فرایند رابطه‌ای نیز به‌خوبی در خدمت ایجاد تصویری مثبت از وی در ذهن مخاطب بوده است. وجود عناصر موقعیتی‌ای مانند دلیل و مکان، به‌عینی‌تر شدن گفتمان وی کمک کرده‌اند. در اینجا نیز به‌نظر می‌رسد که بررسی نقش فرانشی‌های دیگر در گفتمان اوباما، همراه با بازنمایی برخی مفاهیم مطرح در زبان‌شناسی انتقادی -از جمله قدرت و ایدئولوژی- زوایای پنهان بیشتری از گفتمان سیاسی وی را روشن می‌کرد که این پژوهش به آنها بی‌توجه بوده است. نتایج تحلیل علیخانی (۲۰۱۴) از تفکر سیاسی امام خمینی درباره دولت ایالات متحده نشان می‌دهد که بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی با خطاب قرار دادن دولت آمریکا به‌عنوان «شیطان بزرگ»، بزرگ‌ترین دشمن ملت ایران را معرفی می‌کند. درواقع، امام خمینی با این خطاب، توجه مردم و گروه‌های سیاسی را به دشمن اصلی نظام

1. R. Ye

2. S. D. Alvi and A. Baseer

اسلامی جلب کرده و در تلاش است آن‌ها را از درگیری‌های داخلی با یکدیگر، که در دوران ابتدایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی بسیار زیاد بود، باز دارد.

صادقی و همکاران (۲۰۱۴) نیز در بررسی انتقادی گفتمان وصیت‌نامه امام خمینی نشان داده‌اند که وصیت‌نامه امام خمینی از زمان دستوری در کنار وجوه معلوم و مجهول به‌عنوان ابزاری برای نشان دادن ایدئولوژی بهره می‌برد. براساس یافته‌های آنان، وصیت‌نامه در راستای ترویج جمع‌گرایی و دوری از فردگرایی، تنظیم شده است. همچنین، با نگاهی آموزشی به تحلیل این وصیت‌نامه، نشان داده‌اند که یافته‌های آن‌ها کمک شایانی به زبان‌آموزان در راستای بهبود درکشان از متون سیاسی و مذهبی می‌کند.

نور^۱ (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای به تحلیل گفتمان نلسون ماندا در سخنرانی در مراسم تحلیف ریاست‌جمهوری از منظر فرانش بینافردی پرداخته است. یافته‌های وی نشان می‌دهد که وجه و ضمائر شخصی، بیشتر از ویژگی‌های واژگانی، به‌کار رفته است. تحلیل‌های وی حاکی از این است که ویژگی‌های واژی-دستوری سخنرانی وی به‌خوبی در خدمت معنای بینافردی بوده‌اند و استفاده‌های گوناگون از عناصر وجه، ضمائر شخصی، و عناصر واژگانی، باعث انتقال سطوح متفاوتی از معنا در فرانش بینافردی می‌شود.

مانلو (۱۳۹۴) در «تحلیل گفتمان بیداری اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری با رویکردی نقش‌گرا»، دریافته است که واژگان اسلام با ۱۶۲ بار تکرار، بیگانگان با ۱۵۶ بار تکرار، مردم با ۱۱۳ بار تکرار، و انقلاب با ۴۱ بار تکرار، از بیشترین فراوانی در موضوع بیداری اسلامی برخوردار هستند. احیاء و بازسازی عزت و کرامت ملی و اسلامی، برافراشتن پرچم توحید و اسلام، ایستادگی در برابر نفوذ و سلطه آمریکا، صهیونیسم و اروپا، مبارزه با رژیم غاصب و دولت جعلی صهیونیست، حضور همیشگی مردم در صحنه مبارزه، و سرنگونی حکام مستبد و عمال استکبار، مؤلفه‌های اصلی بیداری اسلامی در گفتمان مقام معظم رهبری هستند.

نور و دیگران^۱ (۲۰۱۶) تنها به تحلیل عنصر و جهت در آخرین سخنرانی پیامبر اسلام (ص) براساس دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی (۱۹۸۵) پرداخته و دریافته‌اند که از مجموع ۵۶ بند، ۳۲ بند خبری، ۲۲ بند امری، و تنها یک بند، پرسشی بوده‌اند. آن‌ها بر این نظرند که دستور نقش‌گرا، ابزار مؤثری در درک روابط بین‌افردی بین مشارکت‌کنندگان در گفتمان است، لیکن از تأثیر احتمالی فرانقش‌ها و مؤلفه‌های تأثیرگذار دیگر بر روابط بین مخاطب و گوینده غافل بوده‌اند.

موارد مطرح‌شده، تنها برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه تحلیل گفتمان در چارچوب نظریه نقش‌گرا هستند. اندکی ظرافت و دقت در یافته‌های این مطالعات نشان می‌دهد که نخست اینکه، مطالعه شاخصی در موضوع تحلیل گفتمان شخصیت‌های تاریخی وجود ندارد. اهمیت این نکته زمانی مشخص می‌شود که بدانیم، بافت‌ها و بسترهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و مذهبی، همواره در حال تغییر هستند. از آنجاکه گفتمان‌ها از دل همین بافت‌ها برمی‌خیزند، حامل ویژگی‌های متفاوتی با گفتمان‌های معاصر خواهند بود؛ دوم اهمیت گفتمان‌کاوی گفتار و نوشتار رهبرانی است که با رویکردی غیرمردم‌سالارانه بر روی کار آمده و در تلاش برای کسب مشروعیت از مردم تحت حکومت خود هستند؛ نکته سوم نیز جای خالی تحلیل گفتمان شخصیت‌های عالی‌رتبه در موضوعات مختلف و در خطاب به مردم است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که نتایج این مطالعه، مجال مقایسه گفتمان‌های گذشته و معاصر را در ابعاد مختلف در اختیار پژوهشگران حوزه تحلیل گفتمان قرار می‌دهد تا شاید زمینه ایجاد الگوهای گفتمانی مختلف برای دوره‌های مختلف تاریخی یک جامعه فراهم شود.

۲. چارچوب نظری

تحلیل گفتمان، یک گرایش مطالعاتی بین‌رشته‌ای است که از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ به‌عنوان یکی از روش‌های کیفی در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی، اجتماعی، ارتباطات، و زبان‌شناسی انتقادی مورد استقبال قرار گرفت. مکتب‌های مختلفی در تحلیل گفتمان مطرح هستند که از میان آن‌ها، نقش‌گراها

اهمیت بیشتری به اهداف و نقش‌های زبان می‌دهند و تا جایی پیش می‌روند که زبان و جامعه را دو مفهوم کاملاً درهم‌تنیده می‌دانند (فرکلاف، ۱۹۸۹). نقطه عطف رویکرد نقش‌گرا، اعتقاد به این نکته است که در سلسله‌مراتب تحلیل، گفتمان، مرحله‌ای بالاتر از جمله نیست، بلکه مفهومی گسترده و فراگیر است که نه تنها دارای محتوای گزاره‌ای است، بلکه از محتوای بافتی، فرهنگی، و اجتماعی نیز برخوردار است (آلبازوز، ۲۰۰۹: ۱۳)؛ بنابراین، برای انجام پژوهش حاضر از چارچوب نقش‌گرای نظام‌مند هلیدمتینسن (۲۰۱۴) استفاده خواهد شد. در ادامه خلاصه‌ای از ویژگی‌های این چارچوب، معرفی و ارائه خواهد شد.

۱-۲. دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی-متینسن (۲۰۱۴)

«زبان‌شناسی نقش‌گرا ابتدا در اروپا شکل گرفت و افرادی چون آندره مارتینه^۱، جی. آر. فرث^۲، و مایکل هلیدی از پیشگامان زبان‌شناسی نقش‌گرا هستند» (حق‌شناس، ۱۳۸۲: ۷۶). یکی از دستورهای تدوین شده در قالب زبان‌شناسی نقش‌گرا، دستور نظام‌مند نقش‌گراست که مایکل هلیدی در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ ارائه کرده است. از دیدگاه این دستور، ساختار زبان، متأثر از نقش‌هایی است که زبان در بافت ارتباطی و در جهان خارج به‌عهده دارد (هلیدی و متینسن، ۲۰۱۴: ۳۰). دستور نقش‌گرا، به‌جای جمله، بند را تحلیل می‌کند. براساس این دستور، هر بند، از سه لایه معنایی تشکیل شده است که در تعامل با یکدیگر، معنای کلی را شکل می‌دهند (هلیدی و متینسن، ۲۰۱۴: ۸۳). در واقع، دستور نقش‌گرا، قائل به وجود «فرانقش^۳» است و صحبت از «نقش» را کار بیهوده‌ای می‌داند. به‌عبارت دیگر، بند نه تنها از یک لایه، بلکه از سه لایه معنایی متمایز از یکدیگر تشکیل شده است که برای تعبیر نهایی آن بند، نیاز به بررسی هر لایه است. این سه لایه معنایی، باعث ایجاد سه فرانقش زبانی، با عنوان‌های «متنی»، «بینافردی» و «اندیشگانی» در دستور نقش‌گرای نظام‌مند می‌شوند.

1. Andre Martinete
2. J. R. Firth
3. Metafunction

فرانقش متنی: این فرانقش، ارتباط زبان را با بافتی که در آن به کار رفته است، بررسی می‌کند. متن، وسیله انتقال معناست و پیام‌ها در قالب متن مطرح می‌شوند. هر بند نیز به دو بخش تقسیم می‌شود؛ بخش نخست و مهم بند را آغازگر^۱ می‌نامند و به بقیه پیام، پایان‌بخش^۲ گفته می‌شود. برای رمزگشایی از پیام مطرح در بند می‌بایست از آغازگر شروع کرد (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۸۹-۸۸).

فرانقش بینافردی: در چارچوب این نقش، از زبان برای برقراری ارتباط و تنظیم روابط اجتماعی استفاده می‌شود. در واقع می‌توان گفت، زبان در نقش اندیشگانی، انعکاسی و در نقش بینافردی، کنشی است؛ به این معنا که بین گوینده و مخاطب نوعی رابطه تعاملی مبتنی بر ارائه^۳ و تقاضای^۴ کالا و خدمات^۵، و (۲) اطلاعات^۶ برقرار است (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۱۳۵-۱۳۴).

فرانقش تجربی: به بیان تجربه‌های فرد از محیط و دنیای اطرافش می‌پردازد. این فرانقش در قالب شش فرایند مادی^۷، ذهنی^۸، رابطه‌ای^۹، رفتاری^{۱۰}، کلامی^{۱۱}، و وجودی^{۱۲} نمود دارد. فرایند مادی به انجام دادن کاری یا رخدادی واقعی اشاره دارد. فرایند ذهنی بر احساس، اندیشه، و ادراک، دلالت دارد. فرایند رابطه‌ای نیز از روابط بین اشیاء و پدیده‌ها و همچنین، ویژگی‌های آن‌ها سخن می‌گوید. فرایند رفتاری به رفتارهای جسمانی و روانی افراد اشاره دارد. فرایند کلامی به کنش‌های مربوط به گفتن اشاره دارد. و در نهایت، فرایند وجودی که سهمی تقریباً سه یا چهار درصدی

-
1. Theme
 2. Rheme
 3. Giving
 4. Demanding
 5. Goods and Services
 6. Information
 7. Material
 8. Mental
 9. Relational
 10. Behavioral
 11. Verbal
 12. Existential

در هر متن دارد، به وجود داشتن و اتفاق افتادن چیزی یا کسی اشاره دارد (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۳۰۹-۲۰۵). در مجموع، تعامل بین این فرایندهاست که به هر متنی «طعم» و رنگ می‌دهد (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۲۱۹-۲۰۵).

انسجام^۱ به مناسبات معنایی موجود در میان عناصر یک متن اشاره دارد و به واسطه عمل آن‌ها، تعبیر برخی از عناصر متن امکان‌پذیر می‌شود. این مناسبات به کلام، یکپارچگی و وحدت می‌بخشند و آن را به‌عنوان متن از مجموعه‌ای از جمله‌های جداگانه و نامربوط متمایز می‌کند. برخی از عوامل انسجام در دستور زبان و برخی در واژگان تحقق می‌یابند (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۶۰۳). هلیدی و متیسن (۲۰۱۴) روی هم‌رفته ابزارهای انسجامی را عبارت می‌دانند از ارجاع^۲، حذف^۳ و جانشینی^۴، ادات پیوندی^۵، عنصر موصولی^۶، تکرار^۷، باهم‌آیی^۸، هم‌معنایی^۹، شمول معنایی^{۱۰}، هم‌شمولی^{۱۱}، استلزام معنایی^{۱۲}، تضاد^{۱۳} و عضو واژگانی^{۱۴}. ارجاع، به این معنا است که صورت‌های ارجاعی برای تفسیر به چیز دیگری پیش یا پس از خود ارجاع داده شوند. ارجاع، خود بر دو نوع است: درون‌متنی^{۱۵}، و برون‌متنی^{۱۶}. از بین این دو، تنها ارجاع درون‌متنی به انسجام متن کمک می‌کند؛ به شرط اینکه ضمیر و

1. Cohesion
2. Reference
3. Ellipsis
4. Substitution
5. Conjunction
6. Wh-element
7. Repetition
8. Collocation
9. Synonymy
10. Hyponymy
11. Co-Hyponymy
12. Entailment
13. Antonym
14. Meronymy
15. Endophoric
16. Exophoric

مرجع آن در یک بند نباشند. حذف و جانشینی، عبارتند از وضعیتی که در آن، یک عنصر به دلیل اینکه پیشتر در متن مطرح شده است، حذف شده یا عنصری جایگزین آن می‌شود. عنصر حذف شده ممکن است اسم، فعل، یا جمله باشد. ادات پیوندی نیز رابطه منطقی-معنایی^۱ میان بندهای موجود در متن را نشان می‌دهند. عنصر موصولی نیز عبارت است از ضمائر موصولی به کار گرفته شده در متن که باعث افزایش انسجام می‌شوند. تکرار، به تکرار عیناً و بدون تغییر یک واژه در متن اطلاق می‌شود. سالکی (۱۹۹۵) (به نقل از: نعمتی قزوینی و ایشانی، ۱۳۹۴: ۱۲۹) بر این نظر است که هر نوع تکراری، انسجامی به شمار نمی‌آید. از نظر او تنها تکرار واژه‌های متنی^۲ و نه واژه‌های دستوری^۳ باعث انسجام متن می‌شود. هم‌معنایی نیز عبارت است از انتخاب واژه‌ای که با واژه پیش از خود، دارای رابطه هم‌معنایی باشد. شمول معنایی به رابطه‌ای اشاره می‌کند که در آن، یکی از واژه‌ها به طبقه واژگانی اشاره کرده و دیگری، زیرطبقه‌ای از آن به شمار می‌آید. هم‌شمولی نیز به رابطه‌ای گفته می‌شود که طی آن، دو واژه هم‌عرض با یکدیگر، زیرطبقه واژه دیگری باشند. عضوواژگانی همانند رابطه شمول معنایی که طی آن واژه‌ای «نوعی از...» واژه دیگر به شمار می‌آید، براساس آن واژه‌ای «عضوی از...» واژه دیگر به شمار می‌آید. باهم‌آیی براساس «تمایل به با یکدیگر آمدن» در میان واژه‌ها تعریف می‌شود و استفاده از آن باعث انسجام در متن می‌گردد (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۶۴۹-۶۱۱). استلزام معنایی به این معنا است که تحقق مفهوم یک جمله، مستلزم تحقق مفهوم جمله دیگری باشد. به عبارت ساده‌تر، اگر جمله‌ای به وقوع پیوسته باشد، جمله دیگری نیز به وقوع پیوسته است (لاینز، ۱۳۹۱: ۱۹۰). تضاد معنایی نیز به رابطه متضاد بین واژه‌های یک متن گفته می‌شود.

همان‌گونه که پیشتر نیز گفته شد، چارچوب نظری این پژوهش، تلفیقی از دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی-متیسن (۲۰۱۴) و مفاهیم قدرت (اقتدار)، مشروعیت، و نابرابری‌های اجتماعی مطرح شده توسط وبر (۱۹۶۸) است. پس از

1. Logico-semantic
2. Content Words
3. Function words

ارائه توضیح مختصری درباره ویژگی‌های دستور پیشنهادی هلیدی-متیسن (۲۰۱۴)، توضیحاتی در مورد این سه مفهوم نیز ارائه می‌شود.

۲-۲. قدرت و اقتدار

وبر از نخستین جامعه‌شناسانی است که به بحث قدرت و اقتدار به شکل علمی و بدون پرداخته است. وی قدرت را با مؤلفه زور توضیح می‌دهد و عامل لازم برای بقای آن را مشروعیت ذکر می‌کند، به گونه‌ای که بدون حداقلی از مشروعیت، هیچ قدرتی با دوام نخواهد بود. قدرت مشروع، قدرتی است که از سوگیری‌هایش استقبال می‌شود، با رهنمودهایش موافقت می‌شود، یا دست‌کم، مخاطبانش از آن پیروی می‌کنند. این تمکین ارادی، یک وجه قانونی و اخلاق جمعی به قدرت می‌دهد که سلطه‌گر و تحت سلطه را در یک رابطه دوجانبه قرار می‌دهد. وی بر این نظر است که اقتدار، متضمن تمایل بی‌قید و شرط زیردست به اطاعت است (وبر، ۱۹۶۸: ۳۷-۴۵). به عبارت دیگر، قدرت از بالا به پایین است، درحالی‌که اقتدار، جهت پایین به بالا داشته و این زیردستان هستند که با پذیرش اختیار و اطاعت از آن، به قدرت افراد فرادست مشروعیت می‌بخشند (رستمی، ۱۳۸۲).

۲-۳. مشروعیت

واژه مشروعیت دارای ریشه لاتین و به معنی قانون است، لیکن، دامنه گسترده‌تری از قانون دارد، زیرا امر مشروع باید منطبق با نظر مردم و عدالت و انصاف باشد (حاجیانی و پاک‌سرشت، ۱۳۸۷: ۵۱). وبر (۱۹۶۸: ۳۰۱-۲۱۲) به سه نوع مشروعیت اشاره کرده است: مشروعیت سنتی، مشروعیت قانونی-عقلانی، و مشروعیت کاریزماتیک. در مشروعیت سنتی، توجیه اقتدار بر مبنای آداب و سنت‌های گذشته، در مشروعیت کاریزماتیک ویژگی‌های استثنائی رهبر، و در مشروعیت قانونی و عقلانی، مقررات دیوان‌سالاری و قوانین رسمی، این نیاز را تأمین می‌کند. اگر حکمرانان نتوانند تسلط خود را به یکی از سه طریق یادشده توجیه کنند، وسایل نابودیشان فراهم شده و در صورت تداوم مشروعیت نداشتن، ممکن است سرنگون شوند و نوع اقتدار عوض شود. براساس آنچه وبر بیان کرده است، مشروعیت سنتی ممکن است موروثی باشد؛ مانند مشروعیت سلطنت در یک خانواده مشخص، و

ممکن است آداب و رسوم قبیله باشد؛ مانند آنچه در بین عشایر مرسوم است که بزرگ قبیله، حاکم قبیله است. مشروعیت کاریزماتیک، ناشی از استعدادها و قابلیت‌های فرد است که قضاوت عمومی جامعه بر این قرار می‌گیرد که کاریزما (کسی که محبوب مردم شده است) حق اقتدار و اعمال حاکمیت دارد. مشروعیت عقلانی-قانونی ناشی از پیشرفت جامعه مدنی است که با سازوکارهای انتخاباتی و آرای اکثریت تحقق می‌یابد (ولدیگی، ۱۳۸۹: ۵۵).

۴-۲. نابرابری‌های اجتماعی

نابرابری، یکی از جنبه‌های عمومی و همیشگی جوامع انسانی است. از نظر وبر، نابرابری اجتماعی در رابطه اجتماعی بازتاب می‌یابد. وی بر این نظر است که در هر رابطه اجتماعی، دو یا چند نفر در رفتاری مشارکت داشته و در آن چارچوب هریک به سهم خود از مقبولیت برخوردار است و در نتیجه، در برابر رفتار یادشده بر همین اساس جهت‌گیری می‌شود. این رابطه می‌تواند انجام، انکار، یا طفره رفتن از یک قرارداد و همچنین، رقابت اقتصادی یا عشقی، یا هر نوع دیگری از رقابت و نیز تقسیم مناصب یا عضویت در یک طبقه یا ملت را دربرگیرد؛ بنابراین، از نظر وبر، نابرابری نوعی از محتوای رابطه اجتماعی است که عبارت از این احتمال است که افراد به طریقی قابل‌تعیین و معنادار و بر مبنای درک تطبیقی، به گونه‌ای تفاوت‌گذار و تبعیضی رفتار خواهند کرد (وبر، ۱۹۶۸، به نقل از: زاهدی، ۱۳۹۲).

۳. روش پژوهش

پیکره پژوهش حاضر را سخنرانی‌ها و نطق‌های محمدرضا شاه و امام خمینی در خطاب به مردم تشکیل می‌دهد؛ بنابراین، با استفاده از شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای، کلیه سخنرانی‌ها و نطق‌های کامل و موجود از این دو شخصیت که به گونه‌ای مخاطب آن‌ها عامه مردم بوده‌اند، جمع‌آوری شد و در نهایت، ۷ سخنرانی به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده با موضوعات مختلف سیاسی، امنیتی، و فرهنگی انتخاب شد. نمونه‌های گردآوری‌شده برای محمدرضا شاه عبارتند از: «سخنرانی در چهاردهم آبان ۱۳۵۷» با عنوان «صدای انقلاب شما را شنیدم» (جام جم آن‌لاین، <http://jjo.ir/sHCBtg>)، «پیام نوروز باستانی اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی

شاهنشاه ایران به ملت ایران ۱ فروردین ماه ۱۳۴۲»، «بیانات اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی در گردهم‌آیی بانوان در برابر کاخ مرمر به مناسبت فرمان دادن حق رأی به بانوان ایرانی، ۸ اسفند ۱۳۴۱»، «پیام اعلیحضرت همایون محمدرضاشاه پهلوی شاهنشاه ایران به مناسبت آغاز اجرای قانون سپاه دانش ۳ دی ماه ۱۳۴۱»، «فرمایشات ملوکانه اعلیحضرت همایون محمدرضاشاه پهلوی خطاب به ملت ایران به مناسبت روز قیام ملی ۲۸ مرداد»، «پیام شاهنشاه آریامهر در چهاردهمین سالروز پیکار جهانی با بی‌سوادی، شنبه ۱۸ شهریور ماه ۲۵۳۷ شاهنشاهی» و «پیام اعلیحضرت شاهنشاه به ملت ایران به مناسبت جشن ملی ۲۸ مرداد و روز عید غدیر، ۲۷ مرداد ۱۳۳۳» و از پیام‌ها و سخنرانی‌های امام خمینی نیز نمونه‌هایی با عنوان «پیام به ملت ایران در تجلیل از مقام حضرت فاطمه زهرا(س) و جایگاه زن در ۱۵ اردیبهشت سال ۱۳۵۹» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۲۷۵-۲۷۴)، «پیام به ملت ایران به مناسبت بسیج عمومی برای مبارزه با بی‌سوادی، ۷ دی ماه سال ۱۳۵۸» (صحیفه امام، ج ۱۱: ۴۴۷-۴۴۶)، «پیام رادیو-تلویزیونی به ملت ایران در آغاز سال نو، ۱ فروردین سال ۱۳۶۱» (صحیفه امام، ج ۱۶: ۱۳۱-۱۲۹)، «پیام تبریک به ملت ایران به مناسبت فرار شاه و تشریح وظایف آحاد ملت، ۲۷ دی ماه ۱۳۵۷» (صحیفه امام، ج ۵: ۴۸۸-۴۸۶)، «پیام به ملت ایران به مناسبت روز جهانی کارگر و تجلیلی از کارگران زحمتکش، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۹» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۲۶۶-۲۶۵)، «پیام به اقشار مختلف مردم به مناسبت جشن‌های ۲۵۰۰ شاهنشاهی، ۵ فروردین ۱۳۵۲» (صحیفه امام، ج ۲: ۴۹۲) و «پیام به ملت ایران در موضوع سیاست‌های کلی نظام اسلامی در دوران بازسازی کشور، ۱۱ مهر ۱۳۶۷» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۵۹-۱۵۵) انتخاب شدند.

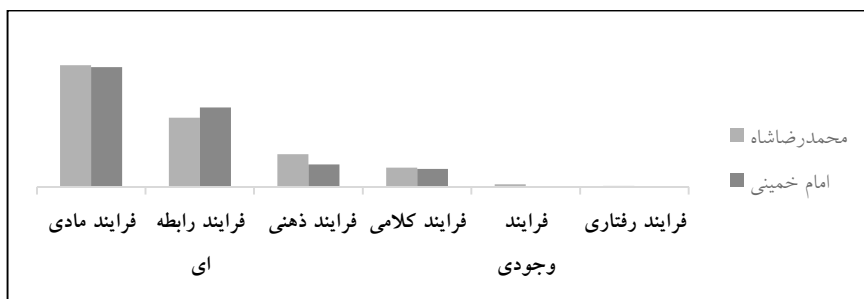
برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش، رویکردی تلفیقی به‌کار خواهد رفت. نخست، تمام بند ۲۹۵ و بند ۳۴۷ موجود در سخنرانی‌ها و پیام‌های محمدرضاشاه و امام خمینی در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی-متیسن (۲۰۱۴) به‌لحاظ زبان‌شناختی توصیف خواهد شد و توزیع فراوانی و درصد مربوط به هر بخش از توصیف در قالب جدول‌هایی ارائه خواهد شد. سپس، پژوهشگران درصدد تحلیل بازنمود مفاهیم قدرت (اقتدار)، مشروعیت، و نابرابری‌های اجتماعی در متن گفتمان

این دو شخصیت در خطاب به مردم برخوانند آمد. در گام آخر، به پرسش‌های پژوهش، پاسخ داده خواهد شد.

۴. تحلیل داده‌ها

تحلیل‌ها حاکی از این بود که گفتمان هر دو شخصیت، عرصه تجربه شرایط مملکت از طریق سه فرایند اصلی مادی، رابطه‌ای، و ذهنی است. در ادامه، نموداری از توزیع فرایندهای مختلف در گفتمان این دو شخصیت ارائه می‌شود:

شکل شماره (۱). مقایسه توزیع فرایندها در گفتمان محمدرضا شاه و امام خمینی



براساس شکل شماره (۱) و طبق پیش‌بینی هلیدی-متیسن (۲۰۱۴: ۳۰۰)، بیش از ۹۰ درصد از فرایندهای موجود در گفتمان این دو شخصیت را سه فرایند اصلی مادی، رابطه‌ای، و ذهنی تشکیل می‌دهند. در این میان، فرایند مادی تقریباً نیمی از گفتمان هر دو را تحت‌الشعاع قرار داده است. با وجود این، نقش فرایند مادی در گفتمان محمدرضا شاه با ۴۹/۵۰ درصد، اندکی پررنگ‌تر از نقش آن در گفتمان امام خمینی با توزیع ۴۸/۷۰ درصد است. در گفتمان محمدرضا شاه، بافت موقعیتی (زمان و مکان تولید گفتمان) و همچنین، بافت فرهنگی، نقش بسزایی در نوع تجربه مخاطب از فضای گفتمان وی دارد؛ به‌عنوان مثال، به نمونه زیر توجه کنید:

۱. ... با همکاری شما هموطنان عزیزم این نظم و آرامش هرچه زودتر برقرار شود... آیات عظام و علمای اعلام... با راهنمایی‌های خود و دعوت مردم به آرامش و نظم برای حفظ تنها کشور شیعه جهان بکوشند... شما کارگران و کارکنان و دهقانان... با فعالیت هرچه بیشتر در حفظ و احیای اقتصادی کشور بکوشید... (سخنرانی ۱۴ آبان ۱۳۵۷).

آنچه در سخنرانی محمدرضاشاه در ۱۴ آبان ۱۳۵۷، یعنی دوران افول حکومت وی، مشهود است، توسل وی به اقشار مختلف مردم برای برقراری و حفظ آرامش است، که این نشان‌دهنده عجز و درماندگی او در آن دوران است. با وجود این، به‌طور کلی، گفتمان وی عرصه نکوهیدن وضعیت نامناسب جامعه و سپس، بیان خدماتی است که در مسائل مختلف فرهنگی، اجتماعی و معیشتی به مردم داده است. نمونه زیر در بحث سوادآموزی به‌خوبی مؤید این ادعا است:

۲. چهاردهمین سال مبارزه جهانی با بی‌سوادی در شرایطی برگزار می‌شود که تلاش‌های ملی ما در این راه، کاملاً بارور شده است (سخنرانی به مناسبت سالروز پیکار با بی‌سوادی).

نگاهی به نمونه‌های جمع‌آوری شده از گفتمان امام خمینی نشان می‌دهد که بافت موقعیتی و فرهنگی، تأثیر بسزایی در نحوه بیان وی داشته است. به‌عبارت دیگر، محور آن دسته از پیام‌ها و سخنرانی‌هایی که در دوره نزدیک به پیروزی انقلاب اسلامی بیان شده‌اند، جنایت‌ها و مشکلات جامعه در دوران پیش از انقلاب بوده است. در این بخش، فرایند مادی تجربه‌های مردم از جنایت‌ها و محرومیت‌ها و گسترش فساد و بی‌بندوباری در میان مردم در پیش از انقلاب را به رشته کلام درآورده است. براین اساس، مخاطب با دور شدن از فضای انقلاب، تجربه جدیدی از اتفاقات مهم زمان را در کلام امام خمینی به‌دست می‌آورد که در برخی جمله‌ها مانند آنچه در شماره (۴) آمده است، این فاصله زمانی از دوران انقلاب و توجه به مسائل روز جامعه، به‌خوبی مشهود است.

۳. ... عمال پهلوی، زنان آسیب‌پذیر را به مراکز فساد کشاندند... هرکسی می‌خواهد از جنایات آنان باخبر شود، به رسانه‌های آن دوران مراجعه نماید... عده‌ای از زنان، خود را به‌صورت کالایی درآوردند... (سخنرانی به مناسبت تجلیل از مقام زن، صحیفه امام، ج ۱۲: ۲۷۵-۲۷۴).

۴. آخرین رگ‌وریشه‌های وابستگی این کشور به بیگانگان را در هر زمینه‌ای قطع نمایید... (پیام به ملت ایران در موضوع سیاست‌های کلی نظام اسلامی در دوران بازسازی کشور، ۱۱ مهر، ۱۳۶۷، صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۵۵-۱۵۹).

نکته قابل توجه در تحلیل فرایند مادی در گفتمان امام خمینی که وجه تمایز

گفتمان وی در مقایسه با گفتمان محمدرضا شاه است، اعتقاد وی به تکیه بر خداوند متعال و تعالیم اسلام به عنوان مهم ترین رمز پیروزی مردم در هر عرصه‌ای است. به عبارت دیگر، می توان این گونه گفت که تلاش برای هوشیاری و «بیداری اسلامی» در مردم، یکی از اتفاقاتی است که مخاطب گفتمان امام آن را در قالب فرایندهای مادی تجربه می کند. نمونه شماره (۵) بیانگر این مطلب است.

۵... نیروهایی که خدا داده در راه خدا صرف شود... نیروی مردم باید در راه خدا صرف شود... بیدار شوید و خفتگان را بیدار کنید... تحت پرچم توحید برای در هم پیچیدن دفتر استعمار، فداکاری کنید (سخنرانی به مناسبت جشن های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، صحیفه امام، ج ۲: ۴۹۲).

فرایند رابطه‌ای در قالب افعالی مانند «است» و «بود» نیز در گفتمان امام خمینی با ۳۲/۲۷ درصد بیشتر از گفتمان محمدرضا شاه (۲۸/۱۲ درصد) به چشم می خورد؛ بنابراین، می توان گفت، توصیف شرایط و موقعیت ها در گفتمان امام خمینی بیشتر از محمدرضا شاه بوده است؛ به عنوان مثال:

۶. ... در جامعه‌ای که اکنون در کشور ما پی ریزی شده است، نه تنها جایی برای یأس و فساد و تخریب نیست، بلکه برای سستی و ضعف و طفره از انجام وظیفه نیز جایی نیست... (سخنرانی به مناسبت آغاز سال نو، سال ۱۳۴۲).

همان گونه که در مثال بالا مشخص است، فرایند رابطه‌ای در موضوعات مختلف گفتمان محمدرضا شاه بر یک رکن اساسی و آن هم توصیف وضعیت جامعه و اقشار مختلف مردم در گذشته و حال استوار بوده است. در گفتمان امام خمینی نیز همین تفسیر از فرایند رابطه‌ای به ذهن می رسد؛ به عنوان نمونه:

۷. ... کشور ما وارث ملتی است که در زمان شاه از بسیاری از نعمات، محروم بود... این کشور مهد علم بوده است... تعلیم و تعلم عبادت است... (سخنرانی به مناسبت بسیج عمومی برای بی سوادی، صحیفه امام، ج ۱۱: ۴۴۷-۴۴۶).

با این اوصاف، بررسی نمونه‌های دربردارنده فرایند رابطه‌ای مانند آنچه در نمونه شماره (۸) دیده می شود، حاکی از این است که تأثیر بافت موقعیتی و فرهنگی، باعث بروز بعد متمایزی با عنوان «دعا» در گفتمان امام خمینی شده است که این خود، از ویژگی های برجسته گفتمان ایشان است.

۸. سلامت و سعادت همگان را از خداوند متعال خواستارم؛ و وحدت کلمه را برای همیشه، خصوصاً تا برانداختن رژیم شاهنشاهی و استقرار حکومت جمهوری اسلام، امیدوارم (سخنرانی به مناسبت فرار شاه، صحیفه امام، ج ۵: ۴۸۸-۴۸۶). در تحلیل فرایند ذهنی نیز گفتمان محمدرضاشاه با ۱۳/۲۲ درصد، نسبت به گفتمان امام خمینی با ۱۰/۹۵ درصد، فضای بیشتری را به خود اختصاص داده است. به عبارت دیگر، مخاطب در گفتمان امام خمینی، تجربه عینی‌تر و ملموس‌تری از اتفاق‌های رخ داده به دست می‌آورد. در واقع، همان‌گونه که مثال‌هایی همچون نمونه شماره (۹) نشان می‌دهند، فرایند ذهنی در گفتمان محمدرضاشاه در خدمت بیان خواسته‌ها و انتظارات وی بوده است.

۹. ... [من] از کلیه فرزندان پرشور وطن... انتظار دارم که با توجه به مسئولیت سنگین و پرافتخار خویش فراموش نکنند... (سخنرانی به مناسبت آغاز اجرای قانون سپاه دانش، سال ۱۳۴۱).

لیکن، فرایند ذهنی در گفتمان امام خمینی در اغلب موارد در خدمت یادآوری جنایات رژیم شاهنشاهی به مردم بوده است. به نمونه زیر توجه کنید:

۱۰. ... شما می‌دانید که رژیم گذشته بر ملت سایه افکنده بود... (سخنرانی به مناسبت بسیج عمومی برای مبارزه با بی‌سوادی، صحیفه امام، ج ۱۱: ۴۴۷-۴۴۶).

همان‌گونه که شکل شماره (۱) نشان می‌دهد، فرایند کلامی، توزیع تقریباً برابر و البته نقش کم‌رنگی در ساخت گذرایی گفتمان هر دو شخصیت داشته است. فرایند رفتاری و وجودی نیز با توزیع بسیار کم -مانند همه متون- سهم بسیار اندکی در مجموع این سخنرانی‌ها و پیام‌ها دارند و نقش معنادار و خاصی در بیان معنای تجربی متن ایفا نمی‌کنند.

در بحث کاربرد «فاعل» در گفتمان این دو شخصیت نیز تقابل‌هایی به چشم می‌خورد. نقطه مشترکی که در تحلیل «فاعل» در هر دو گفتمان به چشم می‌خورد، جایگاه ضمیر «من» به عنوان برجسته‌ترین فاعل در گفتمان آن‌ها است. به عبارت دیگر، هر دو بیشتر از ضمیر «من» در جایگاه فاعلی بندهای گفتمان خود استفاده کرده‌اند. به طور مشابه، در هر دو گفتمان، ضمیر «شما» نیز جایگاه دوم را به خود اختصاص داده است و از آنجاکه همه این گفتمان‌ها خطاب به مردم بوده‌اند، چنین

نتیجه‌گیری ای امری طبیعی به نظر می‌رسد. به‌همین ترتیب، ضمیر «ما» نیز در گفتمان امام خمینی و محمدرضا شاه مورد استفاده بوده است. به مثال زیر توجه کنید:

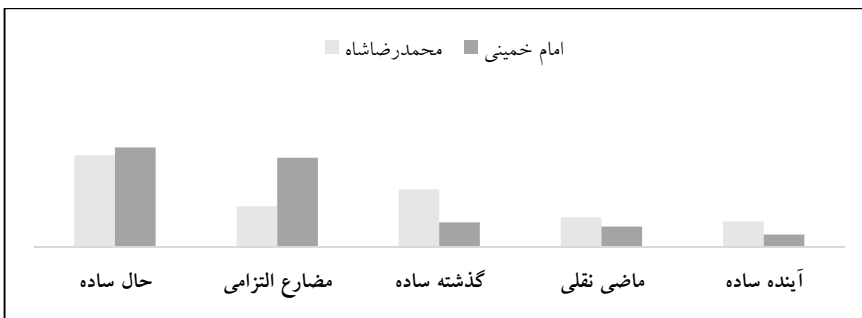
۱۱. [ما] باید متوجه باشیم و [ما] فراموش نکنیم که اکنون دیگر دورانی که باید آن را عصر سازندگی نام داد، برای ملت ایران فرا رسیده است (پیام نوروزی محمدرضا شاه در سال ۱۳۴۲).

وجود چنین مثال‌هایی در گفتمان هر دو شخصیت، حاکی از اهمیت مسئله «تعامل» با مخاطب برای رسیدن به اهداف حکومت است. در واقع، ضمائر «من»، «شما»، و «ما»، سه ضلع مثلث فاعل را در گفتمان محمدرضا شاه تشکیل می‌دهند که در این میان، ضلع «شما» به‌عنوان ضلع متغیر این مثلث، تحت تأثیر بافت موقعیتی و فرهنگی گفتمان، با گروه‌های اسمی مختلف مخاطب هر دو گفتمان، جایگزین می‌شود، اما نکته مهم و برجسته در تحلیل فاعل در گفتمان امام خمینی، نقش آشکار عنصر دیگری در جایگاه فاعلی بندهای گفتمان وی است. تحلیل‌ها حاکی از این است که گروه اسمی «خداوند» بارها در جایگاه فاعلی بندهای گفتمان امام خمینی، عاملی برای وحدت و راهی برای رسیدن ملت به اهدافش معرفی شده است. نمونه زیر، شاهی بر این مدعا است.

۱۲. ...خداوند ما را به تعلیم و تربیت امر فرموده است... (سخنرانی به مناسبت بسیج عمومی برای مبارزه با بی‌سوادی، صحیفه امام، ج ۱۱: ۴۴۶-۴۴۷).

شکل شماره (۲) توزیع زمان دستوری را در گفتمان محمدرضا شاه و امام خمینی نشان می‌دهد.

شکل (۲) توزیع زمان دستوری در گفتمان محمدرضا شاه و امام خمینی



مقایسه توزیع زمان‌های دستوری در گفتمان این دو شخصیت، نشان‌دهنده چند نکته مهم است. نخست، توزیع کمتر زمان حال ساده در گفتمان محمدرضا شاه (۳۷/۱۶ درصد) نسبت به امام خمینی (۴۰/۳۴ درصد) است که این امر، براساس آنچه هلیدی و متیسن (۲۰۱۴) در بحث زمان‌های دستوری بیان کرده‌اند، نشان‌دهنده توجه کمتر او، نسبت به امام خمینی، به وضعیت فعلی مملکت است. در بحث توزیع زمان مضارع التزامی نیز گفتمان امام خمینی ۳۶/۲۰ درصد و گفتمان محمدرضا شاه، ۱۶/۵۵ درصد از زمان مضارع التزامی استفاده کرده است. براساس دیدگاه لازار (۱۳۸۴)، مضارع التزامی برای نشان دادن اجبار در انجام یک کار یا بیان اهداف آتی به کار می‌رود. در گفتمان محمدرضا شاه، بافت موقعیتی نقش بسزایی در نوع به کارگیری مضارع التزامی دارد. در اغلب موارد، مضارع التزامی برای بیان «خواسته‌ها» و «انتظارات» وی از مردم به کار می‌رود، لیکن در واپسین سخنرانی وی این رویه کنار گذاشته شده و «تعهد» به جبران مشکلات ناشی از حکومت وی، مضمون محوری کلام او را تشکیل می‌دهد. با وجود این، مثال‌های زیر، جلوه متفاوتی از مضارع التزامی را در گفتمان امام خمینی نشان می‌دهند.

۱۳. تا به لطف خداوند بزرگ، پرچم اسلام ناب محمدی -صلی الله علیه و آله و سلم- بر بام همه عالم، قد برافرازد و مستضعفان و پابرهنگان و صالحان، وارثان زمین گردند (پیام به ملت ایران در موضوع سیاست‌های کلی نظام اسلامی در دوران بازسازی کشور، صحیفه امام، ج ۲۱، ۱۱ مهر ۱۳۶۷: ۱۵۹-۱۵۵).

۱۴. امید است شما عزیزان من، جشن مرگ استعمار و عمال آن را به زودی بگیریید (سخنرانی به مناسبت جشن‌های ۲۵۰۰ساله شاهنشاهی، صحیفه امام، ج ۲: ۴۹۲).

همان‌گونه که مشخص است، فراوانی نمونه‌هایی از این دست در گفتمان امام خمینی، حاکی از نقش مضارع التزامی در بیان «امیدها» و «آرزوها»ی وی برای «سعادت»، «سلامت»، و «توفیق» نهضت مردم ایران است.

در بحث توزیع زمان گذشته نیز محمدرضا شاه با ۲۳/۳۱ درصد، بیشتر از امام خمینی با ۸/۳۵ درصد، از این زمان بهره برده است. براین اساس، گذشته ساده در گفتمان هر دو شخصیت برای توصیف نابسامانی‌های جامعه در دوران گذشته به کار

رفته است.

ماضی نقلی نیز در گفتمان محمدرضاشاه (۱۲/۱۶ درصد) بیشتر از گفتمان امام خمینی (۱۰/۰۸ درصد) به چشم می خورد. علت این تفاوت را می توان در تأثیر بافت موقعیتی گفتمان جست و جو کرد. بررسی ها نشان می دهد که محمدرضاشاه در آخرین سخنرانی خود، بیشتر از هر زمان دیگری از زمان ماضی نقلی بهره برده است. وی در جای جای آن سخنرانی، با استفاده از عبارت هایی مانند «من سوگند خورده ام...» درصدد انتقال این مطلب به مخاطب خود است که قول ها و وعده های خود در زمان تصدی سلطنت را فراموش نکرده و آن ها را عملی خواهد کرد و به عبارتی، ماضی نقلی، برای محمدرضاشاه، زبان عجز و التماس بوده است.

در پایان نیز تحلیل ها نشان می دهد که محمدرضاشاه با توزیع ۱۰/۴۷ درصد زمان آینده ساده در گفتمانش بیشتر از امام خمینی (۵/۱۸ درصد) درباره مسائل آتی جامعه سخن گفته است، لیکن همان گونه که گفته شد، در گفتمان این دو شخصیت، بافت موقعیتی و فرهنگی، تأثیر مستقیمی بر توزیع هر زمان دستوری دیگری، از جمله آینده ساده، داشته است.

به نظر هلیدی و جیمز (۱۹۹۳، به نقل از: هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۱۷۳)، قطبیت به تقابل مثبت و منفی در بافت بند اطلاق می شود. به اعتقاد آن ها، توزیع قطبیت مثبت در انواع گفتمان ها، ده برابر قطبیت منفی است و در واقع، منفی، حالت نشان دار قطبیت و حامل معنی و پیام خاصی در بند به شمار می آید. به همین ترتیب، نکته قابل توجه، یکسان بودن توزیع قطبیت منفی در گفتمان محمدرضاشاه (۷/۷۹ درصد) و امام خمینی (۷/۸۰ درصد) است. در واقع، قطبیت منفی در گفتمان هر دو شخصیت در خدمت تأکید بر «اهمیت» رفع برخی از مشکلات اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی مردم و جامعه، از جمله «بی سوادی»، «مقابله با دخالت بیگانگان»، «به خاک و خون نکشیدن جامعه» و... است.

در بحث وجهیت نیز باید گفت، در گفتمان محمدرضاشاه بیشتر بندها برای ارائه اطلاعات به کار رفته اند، به گونه ای که در ۲۵۸ بند (۸۷/۴۵ درصد) ارائه کالا، خدمات و اطلاعات، مطرح بوده، ۳۴ مورد (۱۱/۵۲ درصد) به بیان درخواست های وی اختصاص داشته و ۳ مورد نیز از مخاطب خود سؤال کرده است. در مقابل این

گفتمان، گفتمان امام خمینی در ۵۵/۵۵ درصد موارد از بندهای امری بهره برده است. در واقع، امام خمینی بیشتر از محمدرضا شاه از خطاب مستقیم در سخنان خود استفاده کرده است. وجه تمایز دیگر گفتمان امام خمینی با گفتمان محمدرضا شاه، استفاده از بندهای دعایی (۲۳/۳۳ درصد) است که هلیدی و متیسن (۲۰۱۴) در دسته‌بندی خود به این نوع بند اشاره‌ای نداشته‌اند و می‌توان آن را از ویژگی‌های خاص گفتمانی امام خمینی دانست که با توجه به شخصیت دینی ایشان، دور از انتظار نبوده است.

تحلیل‌های مربوط به ارزیابی وجهیت در گفتمان این دو شخصیت نشان می‌دهد که هر دو گفتمان به نوعی بازتاب‌دهنده اطمینان تولیدکننده گفتمان از مطالبی است که مطرح می‌کند. توزیع عبارت‌ها و واژه‌هایی مانند «لازم است»، «بی‌تردید»، «به‌طور قطع»، «مسلماً» و... در گفتمان این دو شخصیت در خطاب به مردم، شاهدی بر این مدعا است. نکته جالب توجه، مثال‌هایی مانند نمونه زیر است:

۱۵. ...راز پیروزی این رستاخیز ملی که شاید انجام آن به این کمال در دنیا بی‌سابقه بوده است... (سخنرانی به مناسبت آغاز سال نو، سال ۱۳۴۲).

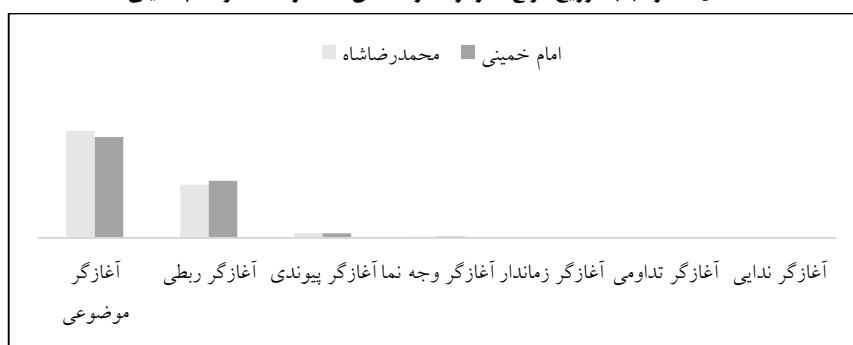
محمدرضا شاه در دو بند از دو سخنرانی مختلف از واژه «شاید» استفاده کرده است، لیکن همان‌گونه که پیداست، واژه «شاید» نه تنها در معنای شک و تردید به کار نرفته است، بلکه در هر دو مورد، از آن برای تأکید بر اهمیت موفقیت به دست آمده استفاده شده است.

نکته قابل توجه دیگر که وجه تمایز گفتمان امام خمینی و گفتمان محمدرضا شاه در بحث ارزیابی وجهیت به شمار می‌آید، استفاده از لفظ «انشاءالله» (۸ مورد) در گفتمان امام خمینی است. تحلیل بندهای حاوی این لفظ، حاکی از این است که امام خمینی معتقد به حکومتی دینی مبتنی بر خواست و اراده خداوند است و به صراحت بیان می‌کند که بدون خواست خداوند، هیچ پیروزی‌ای میسر نخواهد شد.

فرانقش متنی در قالب ساخت آغازگرپایان‌بخش، مکملی برای دو فرانقش تجربی و بینافردی بوده و متن را به مثابه یک پیام معرفی می‌کند (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۸۷). تحلیل ساخت آغازگرپایان‌بخش دو گفتمان یادشده نیز الگوی توزیعی برابری از انواع آغازگرهای مطرح در دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی-متیسن

(۲۰۱۴) را نشان می‌دهد. شکل شماره (۳) وضعیت توزیع این آغازگرها را در گفتمان محمدرضاشاه و امام خمینی نشان می‌دهد.

شکل شماره (۳). توزیع انواع آغازگرها در گفتمان محمدرضاشاه و امام خمینی



همان‌گونه که شکل شماره (۳) نشان می‌دهد، آغازگر موضوعی با توزیعی تقریباً برابر (به‌طور میانگین، ۶۵ درصد) در هر دو گفتمان، بار اصلی انتقال پیام گفتمان این دو شخصیت را به‌دوش می‌کشد. در واقع، بخش اعظم هر دو گفتمان برپایه این ساخت، نهاده شده است. در مورد آغازگر ربطی نیز تحلیل‌ها نشان می‌دهند که گفتمان امام خمینی با ۳۴/۰۹ درصد، اندکی بیشتر از گفتمان محمدرضاشاه (۳۱/۷۸ درصد) از این آغازگر متنی بهره برده است که این نشان‌دهنده انسجام بیشتر گفتمان امام خمینی نسبت به محمدرضاشاه است. در همین راستا، تامپسون^۱ (۲۰۰۴: ۱۴۲-۱۴۱) بر این نظر است که دلایل مختلفی برای انتخاب سازه‌ای به‌عنوان آغازگر پیام وجود دارد. وی معتقد است آغازگرهای متنی، باعث انسجام بیشتر متن می‌شوند؛ بنابراین، آغازگرهای ربطی و افزوده پیوندی مانند «و»، «همچنین» و «اما» بارها در گفتمان دیده می‌شوند. توزیع سایر آغازگرها در هر دو گفتمان تقریباً ناچیز بوده است.

تامپسون (۲۰۰۴: ۱۴۱) اشاره می‌کند که تعیین یا تغییر چارچوب نیز از عوامل دیگری است که به تفسیر بند و بندهای بعدی و در مجموع، به پیوستگی متن کمک می‌کند. این تغییر چارچوب به‌شکل استفاده از آغازگر نشان‌دار انجام می‌شود، یعنی آغازگری به‌جز آغازگر تجربی در جایگاه آغازگری بند به‌کار رود. بررسی‌ها حاکی از این است که گفتمان محمدرضاشاه کمتر از ۲۵ درصد و گفتمان امام خمینی،

کمتر از ۲۰ درصد، از آغازگر نشان‌دار استفاده کرده‌اند. در واقع، هر جا که نیاز به تأکید بر موضوع خاص یا برجسته‌سازی مسئله‌ای بوده است، این تغییر ساختار به کمک گفتمان این دو شخصیت آمده است.

البته باید توجه داشت که تغییر ساختار تنها محدود به تغییر آغازگر بی‌نشان و نشان‌دار نیست. در برخی موارد با تغییر وجه جمله از معلوم به مجهول، مسئولیت پیام به‌عهده مفعول بند گذاشته شده است. دبیر مقدم (۱۳۶۴) و مشکوة‌الدینی (۱۳۸۴) بر این نظرند که ساخت مجهول، تقریباً به ساخت‌های تشکیل‌شده از اسم مفعول و فعل کمکی «شدن» محدود می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در مجموع، ۸ بند از بندهای گفتمان امام خمینی و ۳۴ بند از بندهای گفتمان محمدرضاشاه حاوی وجه مجهول بوده‌اند. به‌عنوان مثال:

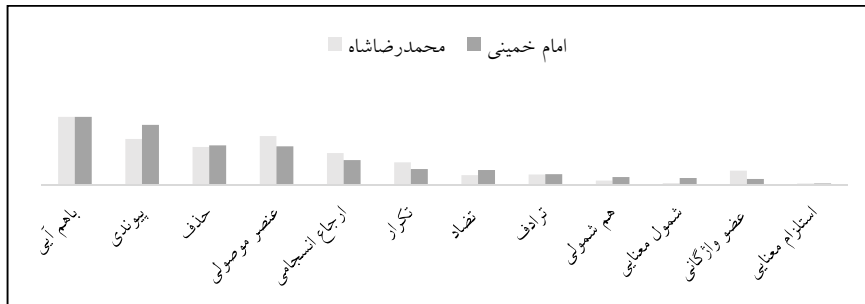
۱۶. محمدرضا پهلوی به محاکمه کشیده خواهد شد... انتقام مستضعفین از او گرفته خواهد شد... (سخنرانی به مناسبت فرار شاه، سال ۱۳۵۷).

۱۷. ...امروز این قدم دیگر نیز برداشته شد و آخرین به‌اصطلاح، ننگ اجتماعی ما که آن هم محرومیت نصف جمعیت مملکت را دربر داشت از بین بردیم... (سخنرانی روز اعطای حق رأی به زنان، سال ۱۳۴۱).

نمونه‌های انتخاب‌شده در بالا که از میان کل بندهای مجهول موجود در گفتمان محمدرضاشاه و امام خمینی اقتباس شده‌اند، به‌خوبی نشان‌دهنده این مسئله هستند که هر جا کنش‌پذیر و هدف، مهم‌تر از فاعل بوده است، تغییر در نوع ساختار بند باعث حفظ پیوستگی کلام شده و به‌نوعی در کنار تغییر در ساختار آغازگر پایان‌بخش به پیوستگی گفتمان این دو شخصیت کمک کرده است.

در گام پایانی مقایسه گفتمان این دو شخصیت، به تحلیل عناصر انسجام می‌پردازیم. انسجام، نقش مهم و معناداری در ساختمان یک متن دارد و به‌عقیده هلیدی، «انسجام، یک مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن اشاره می‌کند و آن را به‌عنوان یک متن، مشخص می‌سازد» (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۴). از نظر هلیدی، بخشی از انسجام از طریق دستور و بخشی نیز از طریق واژگان محقق می‌شود (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۵). شکل شماره (۴)، توزیع عناصر انسجام را در گفتمان دو شخصیت یادشده به‌نمایش می‌گذارد.

شکل شماره (۴). توزیع عناصر انسجام در گفتمان محمدرضا شاه و امام خمینی



براساس تحلیل‌های انجام‌شده، از مجموع ۷۰۸ مورد عامل انسجامی در گفتمان محمدرضا شاه، ۳۹۵ مورد، دستوری و ۳۱۳ مورد، واژگانی بوده‌اند که این نسبت در میان ۸۶۴ عامل انسجامی در گفتمان امام خمینی، به ترتیب، ۴۷۶ و ۳۸۸ است. در نتیجه می‌توان گفت، به‌طور کلی عناصر دستوری، سهم بیشتری در افزایش انسجام گفتمان هر دو شخصیت داشته‌اند.

همان‌گونه که شکل شماره (۴) نشان می‌دهد، بیشترین توزیع، مربوط به عنصر باهم آیی است که در این میان، گفتمان امام خمینی و محمدرضا شاه به ترتیب با ۲۲/۹۱ درصد و ۲۲/۸۸ درصد، تقریباً به اندازه برابر از این عنصر بهره برده‌اند. عامل پیوندی نیز که به تولیدکننده گفتمان کمک می‌کند تا رشته کلام را در ذهن مخاطب خود حفظ کند، در گفتمان امام خمینی (۲۰/۲۵ درصد) سهم بیشتری را نسبت به گفتمان محمدرضا شاه (۱۵/۵ درصد) به خود اختصاص داده است. عنصر حذف نیز به ترتیب با ۱۲/۵۸ درصد و ۱۳/۳۱ درصد، سومین عامل مؤثر در افزایش انسجام گفتمان محمدرضا شاه و امام خمینی به‌شمار می‌آید. از آنجاکه حذف به تولیدکننده گفتمان کمک می‌کند تا رشته کلام را در ذهن مخاطب حفظ کند، کمک شایانی به حفظ انسجام می‌کند. تحلیل‌ها حاکی از این است که گفتمان امام خمینی بیشتر از محمدرضا شاه از این عنصر بهره برده است.

هلیدی و متیسن (۲۰۱۴: ۶۳۵-۶۲۵) بر این نظرند که عنصر موصولی وصفی، نقش مؤثری در ایجاد انسجام متن ایفا می‌کند و می‌توان گفت، گفتمان محمدرضا شاه با ۱۶/۵۲ درصد، از این منظر از انسجام بالاتری نسبت به گفتمان امام خمینی با ۱۳/۰۷ درصد برخوردار است.

با وجود اینکه هلیدی و متیسن (۲۰۱۴: ۱۵۸) معتقدند که ارجاع کمتر از تکرار واژگانی، در انسجام متن دخیل است، لیکن تحلیل‌ها حاکی از تأثیر بیشتر این عنصر نسبت به تکرار، در انسجام گفتمان امام خمینی (۸/۴۴ درصد) و گفتمان محمدرضاشاه (۱۰/۷۳ درصد) است. عنصر تکرار نیز در گفتمان محمدرضاشاه با ۷/۴۲ درصد، بیشتر از گفتمان امام خمینی (۵/۴۳ درصد) در افزایش انسجام نقش داشته است.

مقایسه ترادف و تضاد نیز نشان‌دهنده تمایل یکسان گفتمان محمدرضاشاه به کاربرد روابط هم‌معنایی (۲۵ مورد) و تضاد معنایی (۲۴ مورد) است، لیکن همین مقایسه در گفتمان امام خمینی حاکی از برتری روابط تضاد معنایی (۴۴ مورد) نسبت به هم‌معنایی (۳۲ مورد) است. سایر عناصر انسجام نیز پراکندگی کمی در گفتمان این دو شخصیت دارند.

نتیجه‌گیری

پس از بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های زبان‌شناختی گفتمان این دو شخصیت در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی-متیسن (۲۰۱۴)، اکنون به بررسی مقابله‌ای بازنمایی مفاهیم قدرت (اقتدار)، مشروعیت، و نابرابری‌های اجتماعی در این دو گفتمان می‌پردازیم.

– قدرت (اقتدار) در گفتمان محمدرضاشاه و امام خمینی: بازنمایی مفهوم قدرت (اقتدار) در گفتمان محمدرضاشاه، حکایت از تأثیر بافت موقعیتی دارد. پیشتر نیز گفته شد که محمدرضاشاه در پیام معروف رادیو و تلویزیونی‌اش در سال ۱۳۵۷، یعنی هنگامی که امید خود را از ماندن بر مسند سلطنت از دست داده است، از موضعی پایین‌تر از مردم در هرم قدرت، آخرین تلاش‌های خود را برای حفظ سلطنت به‌کار می‌بندد. در واقع، آنچه در تحلیل گفتمان محمدرضاشاه در این پیام خاص دیده می‌شود، حاوی مؤلفه‌های مطرح در تعریف‌های وبر (۱۹۶۸) از «قدرت» است. به عبارت دیگر، چنان‌که وبر «قدرت» را «احتمال اینکه یک کنشگر به‌رغم همه مقاومت‌ها و مخالفت‌هایی که با آن‌ها روبه‌رو است، به‌دنبال نیل به خواسته‌ها و آمال خود باشد»، قلمداد می‌کند (وبر، ۱۹۶۸: ۲۸، به نقل از: کلمن،

۲۰۱۳: ۳۲)، تحلیل گفتمان محمدرضا شاه در این پیام نیز بر این تعریف صحه گذاشته و نشان می‌دهد که وی با وجود همه مخالفت‌ها، در پی حفظ سلطنت خود بوده و برای رسیدن به این مقصود از رویه‌ای که پیشتر از آن صحبت شد، بهره گرفته است.

از سوی دیگر، تحلیل سایر پیام‌ها و سخنرانی‌های وی نشان می‌دهد که فارغ از بافت فرهنگی و موقعیتی، و در موضوعات مختلف، از مردم برای مشارکت در امور مختلف سیاسی، فرهنگی، و اجتماعی مملکت دعوت کرده و البته تلاش‌ها و اقدامات پیشین آن‌ها را یادآور شده و مورد تقدیر قرار می‌دهد. در نهایت، باید گفت که نحوه بیان پیام‌ها در مورد موضوعات مختلف در گفتمان محمدرضا شاه، نشان‌دهنده دوری از گفتمان مبتنی بر قدرت و در مقابل، حرکت به سوی کسب اقتدار است.

امام خمینی نقش بسیار مهمی برای مخاطب خود در بازسازی جامعه و رفع عیب و نقص‌ها قائل است. در واقع و در ضمن یک تعامل پویا، وی مخاطبان را در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی شریک می‌داند و از همه آن‌ها دعوت می‌کند که در امور مشارکت کنند. در نتیجه می‌توان این‌گونه گفت که گفتمان امام خمینی نیز در مسیر تعامل با مخاطب و کسب اقتدار است. بررسی پیام‌ها و سخنرانی‌های وی نشان می‌دهد، از آنجاکه این گفتمان‌ها در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی تولید شده‌اند، همگی به نقش بسیار مهم مخاطبان امام خمینی در دوران مبارزه با رژیم پیشین اشاره می‌کنند که این امر حاکی از تأثیر هم‌زمان بافت فرهنگی و موقعیتی بر خطاب وی است، لیکن، با دور شدن از فضای انقلاب، در تلاش است که مردم را به وحدت و قطع وابستگی به بیگانگان دعوت کند. در اینجا نیز مشارکت مردم در امور، نشان‌دهنده تعامل نزدیک وی با مخاطب در بافت موقعیتی تولید گفتمان است که خود می‌تواند منجر به پذیرش وی از سوی مخاطب و کسب اقتدار شود.

- بازنمایی مشروعیت در گفتمان محمدرضا شاه و امام خمینی: بررسی آخرین سخنرانی محمدرضا شاه در آبان ۱۳۵۷، حاکی از اوضاع نامساعد جامعه در اواخر این دوران و نشان‌دهنده عدم اعتقاد مردم به حکومت وی است؛ بنابراین، وی وجود

اشتباهات و کمبودها را پذیرفته و تعهد به رفع و عدم تکرار آن‌ها می‌دهد. به عبارت دیگر، وی با بیان این جمله‌ها سعی در متقاعد کردن مردم به پذیرش دوباره وی و حکومتش و در نتیجه، کسب مشروعیت دارد؛ بنابراین، می‌توان این‌گونه گفت که بافت موقعیتی، تأثیر بسزایی در تولید چنین گفتمانی داشته است. البته موضوعاتی مانند بی‌سوادی، عید نوروز، عید غدیر، اعطای حق رأی به زنان، و تشکیل سپاه دانش، همگی بستر فرهنگی لازم را برای تولید گفتمانی متفاوت فراهم کرده‌اند. وی کشف حجاب را که میراث رضاخان بود، از دستاوردها و ارمغان حکومت پهلوی برای مردم مسلمان ایران دانسته و آن را وسیله‌ی رهایی زنان از قیدوبند برمی‌شمارد. در مقابل این حرکت ضد اعتقادات دینی مردم از سوی محمدرضاشاه، وی در پیام خود در روز عید غدیر، از پایبندی به اصول دینی و پیروی از ائمه اطهار سخن می‌گوید که این چهره دوگانه‌ای از وی را در گفتمانش به تصویر می‌کشد. با وجود این، حکومت محمدرضاشاه از مشروعیت سنتی برخوردار بوده است؛ به این معنا که او سلطنت را به‌طور موروثی از پدر خود به ارث برده است و به همین سبب، تحلیل‌های ما از پیام‌ها و سخنرانی‌هایش در بافت‌های موقعیتی و فرهنگی گوناگون نشان‌دهنده تلاش وی برای حفظ این مشروعیت موروثی در برهه‌ای از زمان و تلاش برای جلب نظر و تبدیل این نوع مشروعیت به مشروعیت کارزماتیک است. گفتمان امام خمینی، سرشار از مفاهیمی مانند «ضابطه‌گرایی»، «ارزش محوری»، «وحدت کلمه»، «آزادی خواهی»، «کمال‌طلبی»، «استقلال»، «فداکاری»، «بیداری اسلامی»، و «اتکای به خداوند» است که رویه‌ی وی در هدایت جامعه را خاص می‌کند. بازنمایی مفهوم مشروعیت در گفتمان امام خمینی نیز نشان می‌دهد که پیوندی که وی میان «دین و سیاست» برقرار کرد، به نهضت مردم ایران مشروعیت بخشید. به اعتقاد وی، حاکمیت از آن خداوند است و تنها قانونی که باید سرلوحه امور قرار گیرد، «قانون اسلام» است. در واقع، بازنمایی مفهوم مشروعیت در گفتمان امام خمینی تا اندازه‌ای متفاوت از تعریف و قالب‌بندی ویر از مفهوم مشروعیت است. اگرچه مشروعیت حکومت امام را می‌توان به‌نوعی مشروعیت کارزماتیک و مبتنی بر استعدادها و قابلیت‌های ایشان دانست (به‌گونه‌ای که قضاوت عمومی جامعه این بود که کاریزما و محبوب مردم، حق اقتدار و اعمال حاکمیت دارد)، لیکن

نقطه‌ای که در تعریف وبر از مشروعیت کاریزماتیک مغفول مانده است، منشأ این محبوبیت است. تحلیل گفتمان امام خمینی نشان داد که وی همواره در همهٔ امور به خداوند اتکا کرده و شرط رسیدن به هر هدف و نیل به هر مقصودی را حرکت در جهت خواست و اراده خداوند برمی‌شمارد. تمام این موارد ایجاب می‌کند که یک نوع جدید از مشروعیت با عنوان «مشروعیت الهی» را که پذیرش همهٔ امور را منوط به رضایت منبعی الهی می‌داند، به انواع مشروعیت مطرح‌شده از سوی وبر اضافه کنیم.

- بازنمایی مفهوم نابرابری‌های اجتماعی در گفتمان محمدرضا شاه و امام خمینی: نابرابری، یکی از جنبه‌های عمومی و همیشگی جوامع انسانی است. تمایزهای فردی از قبیل توانایی‌های ذاتی، انگیزشی، و تمایلات گوناگون افراد و تفاوت‌ها اجتماعی‌ای مانند متفاوت بودن شیوه زندگی، حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها و امتیازهایی که جامعه برای افراد قائل می‌شود و به‌صورتی نهادی درمی‌آیند، موجب بروز نابرابری می‌شوند.

در بررسی موارد نابرابری اجتماعی در گفتمان محمدرضا شاه این نتیجه به دست آمد که گفتمان وی سرشار از مؤلفه‌های مربوط به عدالت اجتماعی و اعتقاد به برابری حقوق افراد است. براساس تحلیل‌های انجام‌شده، وی در سرتاسر گفتمان خود موارد متعددی از عدالت اجتماعی، از جمله تقسیم عادلانه ثروت، فراهم کردن امکان سوادآموزی برای همهٔ افراد، دعوت از مردم برای مبارزه با بی‌سوادی، دعوت از آحاد ملت برای مشارکت در امور اجتماعی، و درخواست از مردم برای شرکت در بازسازی مملکت را یادآوری کرده که می‌توان همهٔ آن‌ها را از محورهای کلیدی سخنان محمدرضا شاه دانست که نشان‌دهندهٔ توجه گفتمان وی به برابری اجتماعی است. براین اساس، این تحلیل، روی دیگری نیز دارد که صداقت در بیان این مضمون‌ها را به‌نوعی تحت‌الشعاع قرار می‌دهد؛ آنجا که وی کشف حجاب را میراث دودمان پهلوی و رهایی‌بخش زنان از زنجیر تعبیر می‌کند و همچنان معتقد به اجرای آن است و در نتیجه، حق بخش زیادی از زنان جامعهٔ مسلمان ایران را نادیده می‌گیرد.

در پایان نیز باید گفت که گفتمان امام خمینی، حاکی از این است که با توجه

به زمان و موضوع گفتمان بافت موقعیتی و فرهنگی-وی به بی‌عدالتی‌ها و محرومیت‌های اجتماعی موجود در جامعه اشاره کرده است. وی در گفتمان خود به دو موضوع محرومیت اقشار مختلف از نعمت سواد و محرومیت آن‌ها از امکانات اقتصادی و اجتماعی اشاره می‌کند. براین اساس، گفتمان امام خمینی، اشاره چندانی به نابرابری‌های اجتماعی نداشته و در واقع، این مفهوم جزء محورهای کلیدی گفتمان وی به‌شمار نمی‌آید. البته اگرچه امام خمینی به مصداق‌های نابرابری اجتماعی در جامعه اشاره زیادی نکرده است، لیکن در پاره‌ای از موارد، جامعه را متعلق به همه افراد می‌داند که این امر حاکی از توجه وی به موضوع برابری حقوق اجتماعی است.

در پایان ذکر چند نکته ضروری به‌نظر می‌رسد:

۱. از آنجاکه ویژگی‌های شخصیتی فرد در نوع تعاملش با دیگران و در نتیجه، نوع گفتمانش تأثیرگذار خواهد بود، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌هایی نیز در مورد ارتباط بین مؤلفه‌های شخصیتی و نوع گفتمان افراد انجام شود.
 ۲. هرچند رویکرد نقش‌گرای هلیدی و متیسن (۲۰۱۴) جنبه‌های کارکردی غنی‌ای دارد به‌گونه‌ای که مورد توجه بسیاری از پژوهشگران حوزه تحلیل گفتمان بوده است، لیکن به‌نظر می‌رسد که بهره‌گیری از الگوهای دیگر یا برخی از نرم‌افزارهای کیفی در کنار این نظریه، نه‌تنها به سرعت انجام تحلیل، بلکه به کیفیت و دقت کار پژوهش نیز بیفزاید.
- تفاوت‌های سبکی (گفتاری-نوشتاری) نیز از مهم‌ترین مسائلی است که پژوهشگر به‌دلیل محدود بودن تعداد سخنرانی‌های کامل به‌جای‌مانده از محمدرضا شاه در خطاب به مردم، از آن چشم‌پوشی کرد که خود می‌تواند موضوع پژوهش دیگری در آینده باشد.*

منابع

- امانلو، حسین (۱۳۹۴)، «تحلیل گفتمان بیداری اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری»، *دوفصلنامه علمی-ترویجی مطالعات بیداری اسلامی*، ۴ (۷)، ۳۶-۹.
- حاجیان، ابراهیم؛ پاک‌سرشت، سلیمان (۱۳۸۷)، «بررسی تجربی الگوهای مشروعیت سیاسی در بین طبقه متوسط شهری ایران»، *تحقیقات علوم اجتماعی ایران*، شماره ۱، سال اول، ۶۷-۵۰.
- حق‌شناس، محمدعلی (۱۳۸۲)، *زبان و ادب فارسی در گذرگاه سنت و مدرنیته*، تهران: نشر آگه.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹)، *صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی (ره) (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)*، ۲ جلدی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۶۴)، «مجهول در زبان فارسی»، *مجله زبان‌شناسی*، شماره ۳، ۴۶-۳۱.
- رستمی، محمد (۱۳۸۲)، «تحلیل گفتمان انتقادی پوشش خبری قتل‌های زنجیره‌ای»، *(پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد در رشته ارتباطات)*، تهران: دانشکده علوم اجتماعی. زاهدی، محمدجواد (۱۳۹۲)، *توسعه و نابرابری*، چاپ هشتم، تهران: نشر مازیار.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۹۳)، *پایان تاریخ و انسان واپسین*، ترجمه عباس عربی و زهره عربی، تهران: نشر سخنکده.
- لازار، ژیلبر (۱۳۸۴)، *دستور زبان فارسی معاصر*، ترجمه مهستی بحرینی، چاپ اول، تهران: انتشارات هرمس.
- لاینز، جی (۱۳۹۱)، *درآمدی بر معنی‌شناسی زبان*، ترجمه کورش صفوی، تهران: علمی.
- مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۸۴)، *دستور زبان فارسی (واژگان و پیوندهای ساختی)*، تهران: سمت.
- نعمتی قزوینی، معصومه، ایشانی، طاهره (۱۳۹۴)، «مقایسه کاربست عوامل انسجام در سوره اعلی و ترجمه آن از صفارزاده»، *فصلنامه پژوهش‌های قرآنی*، شماره ۱، سال بیستم، پیاپی ۷۴، ۱۴۵-۱۲۰.
- ولدبیگی، عبدالشریف (۱۳۸۹)، «بررسی مفاهیم مشروعیت و کنش از دیدگاه ماکس وبر»، *ماهنامه زمانه*، شماره ۹۰، ۵۵.

Alba-Juez, L (2009), *Perspectives on Discourse Analysis: Theory and Practice*, Cambridge: Cambridge Scholars Publishing.

- Alikhani, A (2014), "Analysis of the Political Thought of Imam Khomeini towards the US Government, from the Islamic Point of View", *Kuwait Chapter of Arabian Journal of Business and Management Review*, 3 (12), 185-191.
- Allerton, D. J (1979), *Essentials of Grammatical Theory. A Consensus View of Syntax and Morphology*, London: Routledge and Kegan Ltd.
- Alvi, S. D and Baseer, A (2011), "An Investigation of the Political Discourse of Obama's Selected Speeches: A Hallidian Perspective", *International Journal of Humanities and Social Sciences*, Vol. 1, No. 16, 150-160.
- Coleman, S.J., John A (2013), "Authority, Power, Leadership: Sociological Understandings", *New Theology Review*, 10(3), 31-44.
- Erton, I (2000), "Contributions of Discourse Analysis to Language Teaching", *Hacettepe universitesi Eğitim Fakültesi Dergisi*, 19, 201-211.
- Fairclough, N. (1989), *Language and Power*, London: Longman.
- Fillmore, C (1977), "Topics in Lexical Semantics", In: R.W. Cole (ed.), *Current Issues in Linguistic Theory*, Bloomington: Indiana University Press.
- Halliday M A K and Hasan, R (1976), *Cohesion in English*, London: Longman.
- Halliday, M.A.K and James, Z.L (1993), "A Quantitative Study of Polarity and Primary Tense in the English Finite Clause", In: Sinclair, J.M., Hoey, M. and Fox, G. (eds), *Techniques of Description: Spoken and Written Discourse (A Festschrift for Malcolm Coulthard)*, London and New York: Routledge, 32-66.
- Halliday, M. A. k. and Matthiessen, C. (2014), *An Introduction to Functional Grammar (4th edition)*, London: Arnold.
- Huda, R., Saragih, A (2016), "Representation of Experience in Susilo Bambang Yudhoyono's Speech at the Asia Pacific Regional Conference of Open Government Partnership", *Journal Linguistik Terapan Pascasarjana Unimed*, 13 (3): 188-194.
- Noor, M, Ali, M, Muhsbat, F, and Kazemian, B (2016), "Systemic Functional Linguistics Mood Analysis of the Last Address of the Holy Prophet (PBUH)", *International Journal of Language and Linguistics*, Vol 4, No.1, 1-9.
- Nur, Sh (2015), "Analysis of Interpersonal Metafunction in Public Speeches: A Case Study of Nelson Mandella's Presidential Inaugural Speech", *The International Journal of Social Sciences*, 30 (1), 52-63.
- Peterson's Official Guide to Mastering DSST Exams: Principle of Public Speaking, Petersons a Netnet Company, Lawrenceville, NJ, USA (2012), ISBN 978-0-7689-3343-7.
- Sadeghi, B., Hassani, M. T. and Ghorbani, R. (2014), "Towards the Critical

Discourse Analysis of Imam Khomeini's Will: Determining Ideological Discourse toward EFL Learning", *Journal of Language Teaching and Research*.

Salkie, R (1995), *Text and Discourse Analysis*, London and New York: Routledge.

Song, L (2010), "The Role of Context in Discourse Analysis", *Journal of Language Teaching and Research*, 1 (6), 876-879.

Thompson, G. (2004), *Introducing Functional Grammar (2nd edition)*, London: Arnold.

Ward, A. E., Jackson, N. R, and Baruah, B (2016), "The Assessment of Engineering Student Public Speaking Ability: What, How and Issues", *International Conference on Engineering Education and Research*, Sydney, Australia.

Weber, M. (1968), *Economy and Society*, New York.

Ye, R (2010), "The Interpersonal Metafunction Analysis of Barack Obama's Victory Speech", *English Language Teaching*, www.ccsenet.org/elt.